

## شناسایی مؤلفه‌های قدرت نرم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال ایالات متحده آمریکا

محمد رجبی<sup>۱</sup>

### چکیده

شکل و ماهیت مناسبات میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در طول مدتی که از انقلاب اسلامی گذشته است، ماهیتی منازعه‌آمیز داشته و از رویارویی سخت تا شیوه‌های نرم را در بر گرفته است. بدین معنا، در مناسبات میان دو کشور ابتدا جنبه‌های سخت‌افزاری از اهمیت برخوردار بوده ولیکن باگذشت زمان و ناکارآمدی این ابزارها، بهره‌گیری از ابزارهای نرم‌افزارانه اهمیت یافته است. بر این اساس، هر دو کشور با آگاهی از این معادله سعی در افزایش و بهره‌وری بیشتر از ظرفیت‌های قدرت نرم خود نموده و درصدد برآمده‌اند تا برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی و حفظ منافع خود از طریق بهره‌گیری از ابزارهای قدرت نرم اقدام نمایند. پژوهش حاضر با طرح این پرسش که «قدرت نرم سیاست خارجی ایران در قبال ایالات متحده آمریکا بر چه مبانی و مؤلفه‌هایی استوار بوده است؟»، این فرضیه را مطرح می‌نماید که «جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از پتانسیل‌های ایدئولوژی اسلامی - شیعی، رهبری و مردم‌توان بازدارندگی خود را افزایش داده و از این طریق، با تهدیدات نرم آمریکا مقابله نموده است». روش مورد استفاده در این پژوهش، کیفی از نوع توصیفی و تحلیلی است و برای گردآوری مطالب از فیش‌برداری استفاده شده است.

واژگان کلیدی: قدرت نرم، سیاست خارجی، ایران، آمریکا، انقلاب اسلامی.

۱. استادیار علوم سیاسی، گروه امنیتی و اجتماعی، پژوهشکده امنیتی، انتظامی و اجتماعی، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
m52.rajabi@gmail.com

## مقدمه

یکی از انواع قدرت، قدرت نرم افزاری است که به توانایی شکل دهی به اولویت های دیگران بدون زور و اجبار اشاره دارد و از طریق جذابیت های فکری و ارزشی، دیگران را راضی به همکاری می کند. در عرصه روابط بین الملل هم با توجه به اهمیت افکار عمومی در تصمیم سازی و اجرای سیاست کشورها، استفاده از قدرت نرم می تواند با هزینه کمتری تأثیرگذاری بیشتری را برای رسیدن به اهداف مورد نظر داشته باشد و اگر کشوری بتواند در ابعاد مختلف سیاسی و فرهنگی برای دیگران جذاب باشد، این جذابیت عامل مهمی جهت موافقت و همکاری دیگران برای رسیدن به اهداف خود خواهد بود. در سال های اخیر با توجه به اهمیت قدرت نرم در دستیابی به اهداف سیاست خارجی، هر دو کشور با آگاهی از این معادله، سعی در افزایش و بهره‌وری بیشتر، از ظرفیت های قدرت نرم خود در راستای اهداف استراتژیکشان می باشند. در یک چشم انداز تبارشناسانه سیاست های خصمانه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، به پیروزی انقلاب اسلامی باز می گردد. با تأسیس حکومت اسلامی نه تنها آمریکا یکی از متحدان راهبردی خود در منطقه را از دست داد؛ بلکه نظام نوپای جمهوری اسلامی در منطقه و موج بیداری حاصل از این حرکت در میان ملل دیگر کشورهای اسلامی، منافع و سیاست های آمریکا را در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا با خطر جدی مواجه ساخت. از این رو دولت مردان آمریکا بر آن شدند با طراحی و اجرای برنامه های مختلف با این انقلاب مقابله و آن را به انفعال و شکست بکشانند؛ بنابراین، وقوع انقلاب اسلامی ایران در چنین عصری که زمینه ساز نظام سازی و مطلوب و متناسب با آرمان های فرهنگ اسلامی شده است، تعبیر و تفاسیر خاصی را برای دولت آمریکا و متحدان استراتژیک آن ایجاد کرده است. (جعفری، ۱۳۸۹: ۶-۹) از این رو، درصدد مقابله با آن برآمدند که تهدید نظامی ایران در مقاطع مختلف از جانب آمریکا، کودتای نوژه، عملیات منجر به توفان صحرای طبس، حمایت مستقیم و غیرمستقیم از جنگ عراق علیه ایران و کمک های فراوان نظامی و اطلاعاتی به عراق، حمله به هواپیمای مسافربری ایرباس ایران، کمک در عملیات ترور و خرابکاری علیه جمهوری اسلامی ایران نمونه هایی از آن است. ایالات متحده آمریکا در کنار بهره گیری از روش های سخت افزاری در جهت تغییر نظام های سیاسی و ایجاد نظام مطلوب در پنجاه سال اخیر در چارچوب راهبرد امنیت ملی خود همواره از دو الگوی، «تغییرات تدریجی - فروپاشی» و «فروپاشی - تغییرات تدریجی» بهره برده است.

بدین معنا، بعد از به نتیجه نرسیدن در اهداف خود از طریق موارد مذکور، عمده مواجهات و برخورد ایران و آمریکا، حول مجادلات فرهنگی نرم و رویارویی‌های ایدئولوژیک و غیر خشونت‌آمیز طراحی شده است و مداخله غیرمستقیم و جنبه نرم‌افزاری مداخله در دستور کار حاکمان ایالات متحده قرار گرفته است. نمونه این موارد را می‌توان بدین شرح مورد اشاره قرار داد: مداخله در انتخابات سال ۱۳۸۸، پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و نظایر آن. از زمان روی کار آمدن دموکرات‌ها در آمریکا و ریاست جمهوری کلینتون و از سوی دیگر با ناکامی آمریکا در برنامه‌های از پیش طراحی شده برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران، طرح براندازی خاموش و نافرمانی مدنی موسوم به «جنگ نرم» در برنامه‌ریزی راهبردی آمریکا نسبت به ایران قوت گرفت و جنبه نرم‌افزاری تهدید تقویت شد. جنگ نرم عموماً در مقابل جنگ سخت قرار می‌گیرد و اساساً موصوف نرم‌تغییرات مهمی را در عناصر اصلی تهدید به‌جای می‌گذارد که درگذر زمان ایجاد شده است. به‌عنوان مثال در جنگ نرم، ابزار تحدید از سخت به نرم تغییر می‌یابد و نیز عنصر هدف و قلمرو از سخت به نرم جابجا می‌شود. به‌عبارت دیگر، تغییر و تحول در ماهیت هدف، ماهیت و جنس تهدید را تعیین کرده و آن را به دو دسته نرم یا سخت تبدیل می‌کند. در جنگ نرم، عامل تهدید به دنبال فراهم کردن الگوهای اقتاعی است و تلاش می‌کند که مخاطب را به‌گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که ترجیحات و اولویت‌های خود را مطابق خواسته‌های عامل تهدید، فهم و درک نماید. یک بخش تأثیرگذاری بر افکار از طریق الگوپردازی است و بخش دیگر آن را باورسازی و مسخ الگوهای رایج شکل می‌دهد؛ بنابراین، می‌توان گفت جنگ نرم عبارت است از هرگونه اقدام غیر خشونت‌آمیز که ارزش‌ها و هنجارها را مورد هجوم قرار داده و در حد نهایی منجر به تغییر در الگوهای رفتاری و خلق الگوهای جدید می‌شود که با الگوهای رفتاری نظام حاکم تعارض داشته باشد. به این منظور مهم‌ترین ابزار کسب اعتماد، ارتباطات است که در سطوح عمومی، راهبردی و سیاست‌گذاری مورد توجه قرار گرفته و به طرق مختلف و توسط ابزارهای گوناگون از جمله رسانه راه را برای دستیابی به پیروزی در این جنگ هموار می‌کند در این پژوهش نگارنده به بررسی و ارائه منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با آمریکا پرداخته است.

## ۱. چارچوب نظری

قدرت نرم: ریشه‌های نظری بحث قدرت نرم را می‌توان در نظریه «آنتونی گرامشی» واضح اصطلاح «هژمونی» و «چهره سوم قدرت» «استیون لوکس» جستجو کرد. (قهرمان پور، ۱۳۸۵: ۱۹۱) لوکس، قدرت نرم را در معنای توانایی اعمال نفوذ، تغییر نگرش‌ها یا رفتار افراد و گروه‌ها به کار برده و بر این نظر است که قدرت نرم با ابتناء بر رابطه‌ای اجتماعی است که فرد می‌تواند از آن طریق اراده و نظر خود را به دیگران - حتی اگر آنها نظر مخالفی داشته باشند - بقبولاند. (عترت دوست، ۱۴۰۰: ۲۲۴) «آنتونیو گرامشی» نیز با کمک گرفتن از این واژه درصد نشان دادن چهره واقعی نظام سرمایه‌داری نهان در پس پرده جاذبه‌های ظاهری آن بود. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و پایان جنگ سرد، نظریه پردازان برجسته در حوزه سیاست بین‌الملل، همچون «ساموئل هانتینگتون»، «ویلیام کریستول»، «رابرت کیگان» و «فرانسوا فوکویاما» کوشیدند که با طرح دیدگاه‌های تازه‌ای شرایط راستین حاکم بر سامانه بین‌الملل را بررسی کنند. یکی از اندیشمندانی که در این راه گام برداشت پرفسور «جوزف نای» -استاد روابط بین‌الملل مدرسه حکومتی «جان اف کندی» دانشگاه هاروارد- بود که مقوله قدرت نرم را نخستین بار در چارچوب نظریه‌ای مستقل در باب بازبینی ماهیت و نتایج قدرت آمریکا مطرح کرد. (نای، ۱۳۸۵: ۶۹) نای، قدرت نرم را این‌طور توصیف می‌کند: «توانایی یک کشور در واداشتن کشورهای دیگر به اینکه همان چیزی را بخواهند که او می‌خواهد و آن‌هم از راه جاذبه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک که خود در اختیار دارد. به سخن دیگر؛ قدرت نرم به آن گروه از توانمندی‌ها و توانایی‌های یک کشور گفته می‌شود که با به‌کارگیری ابزارهایی هم چون فرهنگ، آرمان یا ارزش‌های اخلاقی به‌صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتار دیگر کشورها اثر می‌گذارد». (حسن خانی، ۱۳۸۴: ۱۶۸) این قابلیت‌های مادی، دارایی‌های محسوس هستند که توانایی نظامی یک ملت خاص را مشخص و معین می‌سازد. «روبرت گیلپین» در اثر خود با عنوان «جنگ و تغییر در سیاست جهان» قدرت را بر اساس توانایی‌های نظامی، اقتصادی و فناوری دولت‌ها تعریف می‌نماید. وی بر این باور است که تأثیرگذاری ملی در تحلیل نهایی به مجموعه نظامی - صنعتی بستگی دارد که می‌تواند به‌عنوان تهدید یا نیروی تبلیغی مورد استفاده قرار گیرد؛ بنابراین، بیشترین تأکید بر قدرت محسوسی قرار می‌گیرد که ظرفیت‌های یک ملت را برای به‌کارگیری قدرت در راستای دست‌یابی به اهدافش معین می‌سازد. (جعفری، ۱۳۵۲:

۲۹) در حالی که واقع‌گرایان به‌طور سنتی تأثیر یک ملت بر جهان را به‌عنوان کارکرد منابع قهری و محسوس قدرت دولت‌ها می‌دانند، جوزف نای «نفوذی» را برجسته ساخته است که از منابع نامحسوس سرچشمه می‌گیرد. در واقع یک تصویر مثبت و ایجابی در مسائل جهان که ملت‌ها را نسبت به یکدیگر قابل احترام می‌سازد. این تصویر ایجابی از منابعی چون سیاست‌های داخلی یا خارجی که ملت‌ها پیگیری می‌کنند، کُنش‌هایی که آن‌ها بروز می‌دهند و ویژگی‌های ملی که مستقل از سیاست‌ها و کُنش‌های ویژه (مانند فرهنگ) هستند برمی‌آید. (جعفری، ۱۳۵۲: ۱۶۳)

## ۲. منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

در مطالعه و تحلیل قدرت، معمولاً عناصر محسوس قدرت (قدرت سخت) را به‌عنوان ارکان اصلی قدرت یک کشور در نظر می‌گیرند. باین‌وجود، تحولات جریان‌ساز عرصه جهانی پس از پایان جنگ سرد سبب کاهش رواج ابزارهای سخت‌افزاری قدرت و اقبال روزافزون بازیگران کوچک و بزرگ به کاربرد قدرت نرم جهت تحمیل اراده به یکدیگر شده است. به‌عبارت‌دیگر تحولات شگرف محیط بین‌الملل طی دهه‌های اخیر سبب بروز دگرگونی عمیقی در شیوه‌های اعمال قدرت میان بازیگران شده است. به‌گونه‌ای که ظرف جهان کنونی برای کاربرد ابزارهای سخت‌افزاری قدرت در مقیاس وسیع مضیق گشته و جهانیان، دیگر شعله‌ور نمودن پیاپی آتش جنگ‌های خونین را همچون گذشته بر نمی‌تابند، از این‌رو کاربرد قدرت نرم از جنبه‌های گوناگون بر قدرت سخت چربش و برتری یافته است تا آنجا که حتی ابرقدرت جهانی را نیز از توجه جدی به شیوه‌های نوین تحمیل اراده در عصر ارتباطات و اطلاعات نظیر فرهنگ، گریزی نیست.

در این مفهوم، مهم‌ترین مسئله، تنظیم دستورالعملی برای جذب دیگران است؛ بنابراین، قدرت نرم، کسب اهداف موردنظر، از طریق جذب کردن است، نه از طریق اجبار، زور و پاداش. (نای، ۱۳۸۵: ۴۷) از نظر جوزف نای، منابع قدرت نرم در بردارنده سه مؤلفه‌ی فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مطلوب‌های سیاست خارجی است. امروزه فرهنگ، هویت و روح روابط بین‌الملل را تشکیل می‌دهد. (پوراحمدی، ۱۳۸۵: ۳۱۵) البته باید توجه داشت که مفهوم‌بندی رایج از قدرت نرم به دلیل آنکه منحصر در مولفه‌های مادی، این جهانی و سکولار است نمی‌تواند نفوذ و محبوبیت معنوی را با اتکاء بر مولفه‌های غیر مادی، دینی و آن جهانی را به خوبی تبیین نمایند. (شکوهی، ۱۴۰۰: ۵۳)

به هر حال، نظام جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تأسیس، دارای مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فرهنگی

و اسلامی بوده و این موضوع موجب شده است به دنبال اعمال قدرت فرهنگی در سیاست جهانی باشد. امروزه بیشترین مقاومت در جهان اسلام، از ناحیه فرهنگ صورت می‌گیرد و این باعث شده است فرهنگ و تمدن غرب احساس خطر کند. هانتینگتون از نظریه پردازان مشهور غربی اذعان می‌دارد، اقتصاد و تسلیحات قوی در کشورهای اسلامی ما را به چالش نکشیده، بلکه فرهنگ آن‌ها به گونه‌ای است که در مقابل ما ایستاده‌اند و تمدن ما را تهدید می‌کنند. (بیلیس، ۱۳۸۶: ۱) همچنین، جوزف نای بیان می‌دارد کشوری مانند جمهوری اسلامی ایران، با توجه به بافت فرهنگی اش - که اساس آن اسلام و تشیع است - با قدرت سخت قابل شکست نیست. (نای، ۱۳۸۵: ۸۳).

انقلاب اسلامی ایران به بروز دو تحول بزرگ منتهی شده است؛ از یک سو، منابع قدرت ایران را از سخت افزاری به نرم افزاری تبدیل نموده است و از سوی دیگر، بنیاد نرم افزاری را در ایران بر اسلام و فرهنگ متعالی اسلامی گذارده است. بررسی نتایج حاصل آمده از چند پروژه جهانی در موضوع جایگاه کشورهای مختلف در چشم انداز جهانی و میزان اعمال نفوذ قدرت نرم آن‌ها و وضعیت افکار عمومی جهانی در قبال کشورهایی چون آمریکا، ایران و یا کشورهای اروپایی که با مشارکت شهروندانی از ۳۲ کشور جهان به انجام رسیده است، دلالت بر آن دارد که جمهوری اسلامی ایران به واسطه ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل نرم افزاری توانسته معادلات و سلسله مراتب متعارف بین‌المللی را نقد و در نتیجه به بازیگری مطرح در این زمینه تبدیل شود.

منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سه سطح فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی به شرح ذیل است:

### ۱-۳. فرهنگ

در دیدگاه نظریه پردازان، فرهنگ یکی از منابع اصلی قدرت نرم به شمار می‌رود. (Ohnesorge, 2019: 95) فرهنگ ایران دارای شاخص‌هایی است که برخی از مهم‌ترین آنها را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

#### • زبان و ادبیات فارسی

یکی از مهم‌ترین راه‌های گفتگو، جذب و اقتناع دیگران - به‌عنوان اساس قدرت نرم - بهره‌گیری از زبان مشترک است که زبان فارسی فرصت‌های فراوانی را از این جهت برای جمهوری اسلامی

ایران فراهم کرده است. شعر فارسی عنصر اصلی فرهنگ ایرانی است و ادبیات فارسی نیز ارمغانی گران‌بها و کالایی پُر مشتری است. زبان فارسی به‌عنوان زبان ملی و آداب و سنن ملی، یکی از عوامل هویت‌بخش فرهنگی ایرانیان بوده است و هویت فرهنگی مردم در طول تاریخ ایران همواره از راه زبان و ادب فارسی حفظ شده است. همچنین شعر فارسی نیز یکی از عوامل هویت‌بخش فرهنگ ایران است و می‌تواند موجب تقویت ظرفیت‌های فرهنگی هویت ایران شود (کوشکی، حسینی و قاری، ۱۳۹۳: ۸۸) و در حال حاضر یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شناسایی ایران و ایرانی در عرصه بین‌الملل، ادیبان، ادبیات و آثار تاریخی این مرزوبوم است که با اندکی سرمایه‌گذاری و توجه قابلیت بهره‌برداری به‌عنوان بزرگ‌ترین برگ برنده در حوزه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را دارا است.

#### • آیین‌ها و آداب و رسوم

سنت‌ها و آداب و رسوم تاریخی نیز مظهری از قدرت نرم است که می‌توان از آن برای جذب دیگران بهره‌برد. بارزترین مصداق در این زمینه، جشن نوروز است. نوروز از جشن‌های باستانی ایرانیان است که امروزه در محدوده جغرافیایی ایران باستان یعنی در کشورهای ایران، آذربایجان، افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان و بخش‌های گردنشین کشورهای عراق، ترکیه و سوریه در روز یکم فرودین ماه هر سال برگزار می‌شود، اما خاستگاه اصلی آن کشور ایران است. (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۹۷) جشن نوروز در ۳۰ دسامبر ۲۰۰۹ میلادی توسط سازمان آموزش علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در فهرست «میراث فرهنگی غیر ملموس بشری» به ثبت رسید. یونسکو نوروز را یک سنت فرهنگی و یک جشن باستانی می‌داند که نماد اولین روز بهار و تجدید حیات طبیعت است و موجب تقویت ارزش‌های صلح و همبستگی میان نسل‌ها و درون خانواده‌ها و نیز آشتی و حُسن هم‌جواری می‌شود و از این رو، به تنوع فرهنگی و دوستی میان مردمان جوامع مختلف یاری می‌رساند و از جمله مهم‌ترین آیین‌هایی است که برای برنامه‌ریزی در جهت تقویت وجهه ایرانی و قدرت نرم در جهان مناسب است. (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۴) علاوه بر نوروز، ایران دارای آداب، سنن، هنر و دیگر ویژگی‌های ملی است که می‌توان با تقویت و هدایت آن‌ها و وجهه ملی و فرهنگی ایران را تقویت کرد.

## • هنرها

آثار و صنایع فرهنگی-هنری کشورها به شرط داشتن جاذبه برای مخاطبان خارجی، منبع قدرت نرم هستند. چنان‌که بخش عظیمی از ذخیره قدرت نرم ایالات متحده آمریکا مرهون وجود آثار هنری تولید هالیوود است. جمهوری اسلامی ایران هم در این زمینه ظرفیت‌های چشم‌گیری دارد که در صورت سرمایه‌گذاری مناسب می‌توانند در راستای بالا بردن قدرت نرم آن به کار گرفته شوند. صنایع دستی ایران را که حاصل ذوق و چیره‌دستی هنرمندان این سرزمین است، مردمان جوامع مختلف جهان می‌شناسند. فرش وقالی ایرانی، سرآمد این صنایع است که همواره مشتاقان بسیاری در فراسوی قلمرو کشور دارند. موسیقی اصیل ایرانی نیز برخوردار از آوازه جهانی است و هر ساله چندین کنسرت با هنرمندی خوانندگان و نوازندگان برجسته ایران در کشورهای خارجی برگزار می‌شود. همچنین سینمای ایران-پس از پیروزی انقلاب اسلامی- جهش قابل توجهی داشته و خود را در سطح جهانی مطرح کرده است، به طوری که فیلم‌های سینمایی کارگردانان ایرانی طی سال‌های اخیر در جشنواره‌های متعدد خارجی به نمایش درآمده و جوایز متعددی را از جمله جایزه اسکار کسب کرده‌اند و برخی سریال‌های ایرانی مانند «یوسف پیامبر» یا «مختار» هم توانسته‌اند با جذب مخاطبان پُرشمار در کشورهای همسایه به موفقیت‌های بزرگی دست یابند.

## ۲-۳. توانایی‌های رسانه‌ای

رسانه‌ها با قدرت و نفوذ فوق‌العاده خود در جوامع گوناگون قادرند تصویری مثبت و منفی از یک کشور را در جهان ایجاد کنند. همین امر باعث شده است تا مدیریت رسانه‌ها مورد توجه خاص دولت‌ها قرار گیرد. رسانه‌ها این امکان را به وجود می‌آورند که بتوان به صورت مستقیم با مخاطبان در سراسر جهان ارتباط برقرار کرد. تعدد شبکه‌های تلویزیونی، سایت‌های اینترنتی، روزنامه‌ها، مجلات و دیگر وسایل ارتباطی به حدی است که علاوه بر کسب اطلاعات در کوتاه‌ترین زمان، امکان مقایسه اطلاعات را نیز دارند. بر این اساس، رسانه‌هایی موفق‌ترند که دارای ابزارهای قدرتمند فنی و زبانی باشند و علاوه بر آن شناخت بالایی نسبت به روحیه مخاطبان خود داشته باشند. (قدسی، ۱۳۹۰: ۷۸) در ایران تمرکز فعالیت‌های رسانه‌ای در سازمان صداوسیماست که علاوه بر هفت شبکه سراسری و ۳۲ شبکه استانی که برنامه‌های آن



به زبان فارسی در ایران و بخش‌هایی از دنیا قابل دریافت هستند، در بُعد برون‌مرزی نیز دارای پنج شبکه جهانی است. آغاز به کار شبکه «پرس تی‌وی» این امید را به وجود می‌آورد که ایران بتواند از طریق یک رسانه حرفه‌ای ملی پیام خود را به مخاطبان بین‌المللی منتقل کند. مسئولان این شبکه هدف از راه‌اندازی پرس تی‌وی را «شکستن سلطه غرب بر رسانه‌های جهانی» اعلام کردند و اظهار امیدواری نمودند که این شبکه بتواند با شبکه‌های تلویزیونی انگلیس زبان رقابت کند. (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۹) همچنین شش روزنامه به زبان‌های انگلیسی و عربی به منظور انعکاس اخبار و آشنایی شهروندان دیگر کشورها و یا افراد مقیم در ایران با فرهنگ و سیاست‌های داخلی و بین‌المللی ایران انتشار می‌یابد. (هرسیچ و تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۸۴) همچنین، رادیوهای برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران به ۳۲ زبان و گویش مختلف اخبار و برنامه‌های متنوع و ویژه‌ای را به وقت کشورهای غرب آسیا، آسیا-پاسیفیک، اوراسیای مرکزی، اروپا، آفریقا، آمریکای شمالی و آمریکای لاتین پخش می‌کنند و در این راستا تلاش می‌کنند با مخاطبان خارجی نیز ارتباط برقرار کنند (هرسیچ و تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۸۷) و این امید را به وجود می‌آورد که ایران بتواند از این طریق، پیام خود را به مخاطبان بین‌المللی منتقل کند. (سمیعی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۱۶۷)

### ۳-۳. آثار باستانی

ایران دارای یک قدمت تمدنی بسیار طولانی است. بر این اساس، از میراث فرهنگی و تاریخی عظیمی برخوردار است. در معرض قرار دادن این میراث تاریخی و فرهنگی که بیانگر نمادهای تمدنی ایرانیان است، نقش بسزایی در افزایش تصویری عزتمند از جمهوری اسلامی دارد. (خسروی و جباری ثانی، ۱۳۹۰: ۱۰۷) موجودیت تاریخی ایران سبب شده که این سرزمین یادگارهای باارزشی از دوره‌های مختلف تاریخی در دل خود داشته باشد. وجود بیش از یک میلیون اثر تاریخی و باستانی در این کشور گواه غیرقابل انکاری برای شایستگی عنوان «ایران موزه همیشه زنده دنیا» است. در ایران بیش از هفتاد هزار تپه باستانی، بیش از یک میلیون و دویست هزار اثر تاریخی و معماری و هزاران یادگار دوره‌های دوردست وجود دارد که برخی از آن‌ها در زمره برترین‌های جهان جای گرفته‌اند. (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۱۰۷)

وجود این آثار علاوه بر عواید مادی که برای صنعت گردشگری کشور دارند، می‌تواند زمینه

جذب مردم جوامع خارجی، تأثیرگذاری بر آنان و قرار دادنشان در معرض واقعیات جامعه ایرانی را فراهم سازد. در واقع، در شرایطی که بسیاری از افکار عمومی جهان بر اثر القانات رسانه‌های بیگانه، ایران را کشوری عقب‌مانده و غیر متمدن می‌انگارند، آثار باستانی موجود در جای جای سرزمین ایران را باید به چشم منابع فرهنگی جذابی نگریست که به‌منظور اصلاح تصویر برون‌مرزی ایران و ارتقاء وجهه آن نزد مردمان سایر کشورها قابل بهره‌برداری هستند.

#### ۳-۴. قدرت علمی

پیشرفت علمی زمینه‌ساز توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. امروزه برخلاف گذشته، کشوری قدرتمندتر است که از لحاظ علمی قوی‌تر باشد و صرف داشتن منابع اولیه، جمعیت و مساحت سرزمینی باعث قدرتمندی یک کشور نمی‌شود. امروزه سلاح اصلی کشورها و زبان رقابت آن‌ها، دانش است که در هیچ محدوده‌ی جغرافیایی محدود نمی‌شود. در نتیجه، دانش و تولید علم، بیانگر قدرت نرم‌افزاری یک کشور است. شاخص‌های سنجش قدرت علمی شامل مواردی مانند تولید علم و دانش، مقالات، تربیت نیروی انسانی ماهر در حوزه‌های علمی، میزان جذب دانشجو و... است. (رفیع و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۸) قدرت و توانمندی علمی باعث افزایش قدرت نرم‌افزاری می‌شود و از این طریق، تولید جذابیت می‌کند. توانمندی علمی وابستگی را کاهش می‌دهد و استقلال را تضمین می‌کند و باعث ارتقاء جایگاه کشور می‌شود و می‌تواند به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر دیپلماسی کشورها عمل کند.

ایران بعد از انقلاب اسلامی، به‌ویژه بعد از جنگ تحمیلی، مانند دیگر کشورهای دنیا برای توسعه و بقای خود، وارد رقابت علمی شد و از نیروی بالقوه جوانان بهره جست. جوانانی که هم از نظر بهره‌هوشی در سطح بالایی قرار دارند و هم به لحاظ برخورداری از آموزه‌های دینی، اهمیت زیادی به تعلیم و تعلم می‌دهند، پرچم‌دار علم و دانش در عرصه‌های علمی هستند. ایران گام‌های علم و دانش را به دلیل وجود برخی مشکلات، در قبل از انقلاب و اوایل تشکیل نظام، دیر اما پرشتاب برداشته است و آن را همچنانکه رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) در چارچوب توصیه‌های هفت‌گانه‌ی بیانیه‌ی گام دوم انقلاب برشمرده است، ادامه می‌دهد. به‌گونه‌ای که هم‌اکنون شاهد رشد چشمگیر تولید علم به‌صورت کمی و کیفی در کشور هستیم، به‌نحوی که جایگاه ایران پس از انقلاب اسلامی، به لحاظ تعداد دانشجو، بیست و دومین

کشور جهان شد و در رشته‌های فنی در جهان چهاردهم و در غرب آسیا بعد از مصر قرار دارد. همچنین، ایران به لحاظ پیشرفت پزشکی و هسته‌ای در جهان، جزء ده کشور اول و در غرب آسیا، مقام نخست را دارد و رشد ۱۸ درصدی تولید مقاله از دیگر مواردی است که جایگاه علمی ایران را ارتقا داده است. (ایزدی، ۱۳۸۷: ۱۸۸) علاوه بر این جمهوری اسلامی ایران، تاکنون همکاری‌های دوجانبه دانشگاهی گسترده‌ای با برخی کشورهای جهان از جمله شش کشور غرب آسیا برقرار کرده است. همچنین، در چهار کشور منطقه، واحدهای دانشگاهی تابعه وزارت علوم و تحقیقات و فناوری و یا دانشگاه آزاد اسلامی تأسیس شده است. (هرسیج و توپسرکانی، ۱۳۸۸: ۹۳)

### ۵-۳. فرهنگ اسلامی

اسلام دینی جهانی است و مقیاس‌های آن، کلی و انسانی -نه قومی، نژادی و ملی- می‌باشد و علت گرایش ملت‌های مختلف به اسلام نیز به همین دلیل است. نمونه‌ی برجسته‌ی این گرایش، ایرانیان هستند که به سرعت جذب این آیین توحیدی شدند. (رجعی و عصار، ۱۴۰۰: ۱۰۸) بدین ترتیب، فرهنگ اسلامی در کنار فرهنگ ایرانی قوام‌بخش هویت ملت ایران محسوب می‌شود و به‌عنوان منبع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود. بر این اساس، لازم است تا عناصر جاذبه‌آفرین در این فرهنگ را شناسایی کنیم که علاوه بر مسلمانان ایرانی مورد استقبال و توجه مسلمانان آن‌سوی مرزها نیز قرار داشته باشد تا جمهوری اسلامی ایران بتواند به پشتوانه آن‌ها بر مردم جوامع خارجی اعمال نفوذ کند. فرهنگ اسلامی ایران دارای شاخص‌های زیر است:

- نفوذ مرجعیت شیعه
- فرهنگ مقاومت و شهادت
- عدالت و برابری

اسلام داعیه جهانی دارد، بنابراین خاص یک مملکت و یا گروه خاصی از مسلمانان نیست و برای کل بشر آمده است. حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup> -بنیانگذار جمهوری اسلامی- هدف غایی انقلاب اسلامی را برقراری عدالت می‌داند. عدالتی که در آن هیچ ظلمی نباشد؛ بنابراین، جمهوری اسلامی ایران در مقام نظامی الهی که سرچشمه و مبنای قدرت و حاکمیت خود را

منتسب به خدا می‌داند، برای عدالت نقش مهمی قائل است. حتی اگر در عمل، عدالت به طور کامل اجرا نشده و یا با کاستی مواجه بوده است، اما پایه‌های نظام بر عدالت استوار شده و لاف‌ها در اساسی‌ترین نظریه‌ها و قوانین بر آن تأکید شده است. بر این اساس، ایرانیان با سابقه درخشان خود در زمینه عدالت‌گستری می‌توانند الگوی موفق در این زمینه در جهان باشند و محبوبیتی که از این طریق نصیب ایران خواهد شد، بزرگ‌ترین سرمایه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. (هرسیج و تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۱۱۹)

### ۶-۳. ارزش‌های انقلاب اسلامی

با استقرار نظام اسلام سیاسی و الگوی حکومت اسلامی در ایران، روزه‌های امید در دل مسلمانان به وجود آمد. مدل موفق حکومت اسلامی در ایران، بعد از ۳۷ سال و بعد از گذراندن روزهای سخت، امروزه در سطح جهان به‌عنوان یک مدل حکومتی مطرح است. امروزه در هر کشور مسلمانی که انقلاب می‌شود و یا حکومتی ساقط می‌شود، اولین گزینه برای تشکیل نظام، حکومت مبتنی بر اسلام است. این امر بدون تأثیر از انقلاب اسلامی ایران نبوده و از این رو، با توجه به جنبش‌ها و انقلاب‌هایی که در منطقه رخ داده است، خود کشورهای غربی اذعان دارند که خاستگاه این انقلاب‌ها، اسلام است و انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، اسلام را بین مردم زنده نموده است. برخی از ارزش‌های انقلاب اسلامی را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

#### ۱-۶-۳. عدالت، عقلانیت و معنویت

«در طرح اندیشه‌ی حکومت اسلامی، توافق و همراهی عقل و شرع را می‌توان با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی به خوبی تبیین کرد. در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، حکومت اسلامی با سه‌گانه‌ی عدالت، عقلانیت و معنویت معنا و محقق می‌شود. این سه اصل از یکدیگر غیرقابل انفکاکند. عقلانیت از پایه‌های اصلی جامعه اسلامی و در عرض ایمان، مجاهدت و عزت است. معنویت روح کار، عقلانیت مهم‌ترین ابزار کار و عدالت جهت‌دهنده و ارزش‌گذار کارها در نظام اسلامی است. ارکان تفکر و تمدن اسلامی، نوگرایی، سماحت و عقلانیت است. [...] مفهوم عقلانیت در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی را می‌توان در چند مولفه خلاصه نمود: اول، داشتن رویکرد منطقی و حساب‌گر. دوم، نگاه انقلابی و به دور از محافظه‌کاری.

سوم، توجه به واقعیات و وضعیت موجود». (عباس تبار مقری و اختری، ۱۴۰۰: ۹۲-۹۱)

### ۲-۶-۳. استقلال طلبی و استکبارستیزی

استقلال طلبی و استکبارستیزی در زمره ارزش‌های بنیادی انقلاب اسلامی به شمار می‌آید که با ارزش‌های دیگری مانند آزادی، عدالت، جهاد، ایثار و شهادت منظومه‌ی کامل گفتمانی انقلاب را هویت و معنا می‌بخشد. امام خمینی<sup>(ره)</sup> نیز به‌عنوان یک رهبر دینی و سیاسی شیعه، این ارزش‌ها را ارکان اصلی نهضت خود قرار داد و انقلاب اسلامی را بر شالوده‌ی آن پایه‌گذاری کرد. استقلال و مقاومت که انقلاب اسلامی به‌عنوان یک ارزش سیاسی به جهان عرضه کرد، مورد علاقه و احترام بسیاری از ملت‌های آزادی‌خواه و ضد امپریالیست در سراسر جهان قرار دارد و جذابیت ذاتی این ارزش‌ها در نظر بسیاری از مردم جهان، این ارزش‌ها را به منابعی برای اعمال قدرت نرم تبدیل می‌کند. (سعیدی و مقدم‌فر، ۱۳۹۳: ۱۱۵)

### ۳-۶-۳. ضدیت با نظام سلطه

راهبرد ضدیت با نظام سلطه را باید انعکاس ارزش استقلال و مقاومت در رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست. یعنی، از آنجایی که در گفتمان انقلاب اسلامی اتخاذ موضع مستقل و ایستادگی در برابر ابرقدرت‌های جهانی به‌مثابه‌ی یک ارزش تلقی می‌شود، بالطبع جمهوری اسلامی ایران نیز مسیر حرکت خود در محیط بین‌المللی را بر همین اساس ترسیم کرده است. نفی ستمگری و طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب که در قانون اساسی ایران مورد تأکید قرار گرفته است، موجب جذابیت برای بسیاری از افراد و گروه‌های منتقد ساختار ظالمانه و ناعادلانه سیاست بین‌الملل در نقاط مختلف جهان شده و موجب دل‌بستگی آنان به دولت و ملت ایران می‌شود که می‌توان از این ظرفیت در راستای اعمال قدرت نرم استفاده کرد. (سعیدی و مقدم‌فر، ۱۳۹۳: ۳۱۳)

### ۴-۶-۳. حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش

یکی از رسالت‌هایی که انقلاب اسلامی برای خود ترسیم نموده است، حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش در سرتاسر جهان است. اهمیت این وظیفه و رسالت تا جایی است که حتی به‌عنوان

یک اصل در قانون اساسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است. پیامد نهادینه شدن ارزش حمایت از مظلومان و مستضعفان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران این است که پشتیبانی معنوی و حتی حمایت مادی از نهضت‌های آزادی‌بخش به‌عنوان یکی از تعهدات برون‌مرزی کشور تلقی می‌شود.

رویکرد حمایتی جمهوری اسلامی به گروه‌های مبارز و نهضت‌های آزادی‌بخش خصوصاً در کشورهایی مانند لبنان، فلسطین و عراق سبب ارتقاء وجهه و جایگاه ایران در میان این گروه‌ها و حامیان مردمی‌شان شده است تا جایی که آن‌ها ایران را به چشم یک الگو و هدایتگر می‌نگرند و در بسیاری موارد، تابع رهنمودهای رهبران و مقامات ایرانی هستند. از این حیث سیاست حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش را نیز می‌توان در زمره منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران قلمداد کرد. (سعیدی و مقدم‌فر، ۱۳۹۳: ۳۱۹)

#### ۴. قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران نسبت به ایالات متحده آمریکا

اقدامات ایران در راستای تقویت قدرت نرم خویش در قبال کشورهای همسایه، افزایش متحدان منطقه‌ای و گسترش جبهه‌بندی‌های در بُعد منطقه‌ای است که تاکنون -به‌طور عمده- مبتنی بر بهره‌گیری و تأکید بر اشتراکات مذهبی، تاریخی و فرهنگی بوده است. ایران از این طریق در صدد است تا با بهره‌گیری از اشتراکات، متحدان خویش را به خصوص در منطقه‌ی غرب آسیا افزایش دهد. (Eisentadt, 2013: 2) در این مسیر، ایالات متحده با دست‌مابه قرار دادن بهانه‌ی مقابله با نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی، نقشی محوری را برای عربستان سعودی -به‌ویژه پس از انتصاب «محمد بن سلمان» به ولیعهدی و برخی تحولات دیگر- تعریف نموده است که در این چارچوب، ریاض مأموریت می‌یابد که ناتویی عربی را علیه ایران تشکیل دهد. (دوست‌محمدی و رجبی، ۱۳۹۷: ۹۴۵).

به‌هرحال، یکی از اقدامات ایران در عرصه‌ی منطقه‌ای، مخالفت با رژیم غاصب صهیونیستی و حمایت از جنبش‌های فلسطینی است که سبب شد تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بلافاصله روابط ایران با صهیونیست‌ها قطع شده و سفارت سابق این رژیم در اختیار فلسطینی‌ها (سازمان آزادی‌بخش فلسطین) قرار گیرد. این اقدام ناشی از اهداف انقلابیون ایران بود که یکی از آرمان‌های اصلی آن‌ها را حمایت از مسلمانان جهان -به‌ویژه مردم فلسطین- تشکیل

می‌داد. بنابراین، سیاست خارجی منطقه‌ای ایران نیز براساس مخالفت جدی با موجودیت رژیم صهیونیستی پایه‌گذاری شد. در سال‌های اخیر نیز این خصومت افزایش یافته است و رژیم صهیونیستی به دو دلیل در پی انزوای ایران است؛ رفتار ایران در مخالفت با موجودیت این رژیم، از یک سو و کمک به نیروها و جنبش‌های مخالف صهیونیست‌ها در منطقه همچون حزب‌الله لبنان یا جهاد اسلامی و حماس فلسطین، از سوی دیگر از جمله‌ی این دلایل است. (Levitt, ۲۰۱۱: ۲۱)

#### ۱-۴. نفوذ در مجامع بین‌المللی

جمهوری اسلامی ایران در صدد است با حضور در سازمان‌های بین‌المللی به ارائه نظرات و طرح‌های خود پردازد و افکار عمومی جهان را با خود همراه سازد. ایران معتقد است با ائتلاف با کشورها خصوصاً کشورهای مسلمان می‌تواند جلوی قطعنامه‌ها و قوانینی که بر ضد ایران تصویب می‌شود را بگیرد. به‌عنوان مثال می‌توان به طرح «برگزاری همه‌پرسی ملی در سرزمین فلسطین» برای حل یکی از قدیمی‌ترین مسائلی که جهان با آن مواجه است - یعنی، مسئله‌ی فلسطین - اشاره نمود که بر مبنای ایده‌ی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - رهبر معظم انقلاب اسلامی - توسط سفیر دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل به ثبت رسیده است. این طرح، در نقطه‌ی مقابل طرح آمریکایی‌ها قرار می‌گیرد که از آن با عنوان «معامله‌ی قرن» یاد می‌شود. (رجبی، ۱۴۰۰: ۲۶)

#### ۲-۴. دیپلماسی عمومی

امروزه یکی از مناسب‌ترین و جدیدترین رهیافت‌های مورد توجه اندیشمندان، صاحب‌نظران و کارگزاران حوزه سیاست خارجی، دیپلماسی عمومی است به‌گونه‌ای که آثار و کارکردهای مهمی در جهان سیاست امروز از خود نشان داده است. این نوع دیپلماسی به دلیل تحول در ساختار قدرت جهان و جابجایی منابع قدرت از سخت به نرم، از یک سو و افزایش نقش افکار عمومی در مناسبات بین‌المللی، تأثیرگذاری فرهنگ بر روابط بین‌المللی، تأثیرگذاری فرهنگ بر روابط بین‌المللی، تأثیرگذاری فرهنگ بر روابط بین‌الملل و تأثیرگذاری مردم در تعیین سیاست‌های داخلی و خارجی، از سوی دیگر جایگاه بسیار ممتازی را در راهبردهای سیاسی، اجتماعی و حتی، امنیتی کشورها پیدا کرده است.

هسته‌ی اصلی دیپلماسی عمومی، ارتباط هدایت‌شده با افراد خارجی به منظور تأثیر گذاشتن بر افکار آن‌ها و سرانجام تأثیر گذاشتن بر دولت‌های آن‌هاست. در همین چارچوب، دیپلماسی عمومی فعالیت‌هایی در زمینه‌ی تبادل اطلاعات، آموزش و فرهنگ با هدف تأثیرگذاری بر دولتی خارجی از طریق تأثیر گذاردن بر شهروندان آن است. (همایون و ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۷)

### ۳-۴. فرهنگ و ادب پارسی

این حوزه سیاست‌گذاری همواره متوجه کشورهای فارسی‌زبان منطقه بوده است. مهم‌ترین کشوری به صورت گسترده به چنین فعالیت‌هایی دست زده است، تاجیکستان است. اولین مرحله‌ی تعمیق و گسترش این علقه، تقویت فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در این کشور بوده است. ایران کوشیده است با ایجاد ارتباط میان فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی ایران و همتای آن در تاجیکستان به توسعه‌ی این نقطه مشترک همت کند. حمایت از نویسندگان تاجیک، انتشار کتب این نویسندگان و مواردی نظیر آن، در این راستا صورت پذیرفته‌اند. همچنین، ایران در افغانستان نیز به اقدامات مشابهی دست زده است؛ یعنی این‌که ضمن حمایت از جریان‌های ادبی در این کشور، به توسعه نشر در آن عنایت خاصی داشته است که نشر کتاب‌های درسی را نیز شامل می‌شده است.

### ۴-۴. مراکز تبلیغ شیعی

ایران برای گسترش تشیع، یا خود اقدام به ایجاد مراکز تبلیغی کرده و یا از این مراکز حمایت به عمل آورده است. یکی از حوزه‌های تبلیغی، پاکستان بوده است. همچنین پس از فروپاشی شوروی و ظهور جمهوری‌های مسلمان تازه استقلال‌یافته، ایران تلاش کرد که به تأسیس مراکز تبلیغی شیعی در این جمهوری‌ها پردازد تا بتواند از این رهگذر، ایدئولوژی اسلامی مطلوب خود را در منطقه‌ی مذکور گسترش دهد. همچنین، ایران در عراق و لبنان نیز به حمایت از حوزه‌های علمی پرداخته است. حتی سعی کرده است تا بسیاری از نیازهای این حوزه‌ها را با کمک‌های مالی تأمین کند. این مسئله از این نظر که این حوزه‌ها همیشه محل استقرار علمای ایرانی و فرهنگ شیعی بوده‌اند، برای این کشور حائز اهمیت بوده است. (معنوی، ۱۳۹۴: ۳)



## نتیجه‌گیری

منابع قدرت نرم هر کشور، بر پایه مؤلفه‌های داخلی آن و به‌مثابه‌ی توانایی‌های یک کشور محسوب می‌شود. آمریکا پس از ناتوانی در مبارزه سخت با انقلاب اسلامی و نرسیدن به اهداف مورد نظر خود، جنگ نرم را در دستور کار قرار داده است. جنگی که در آن از طریق ابزارهایی نظیر فرهنگ، ابزارهای رسانه‌ای، ایران‌هراسی سعی در به‌انزوا کشیدن و تغییر رفتار جمهوری اسلامی دارد. بعد از مطرح‌شدن نظریه‌های قدرت نرم در عرصه‌ی بین‌المللی که عمدتاً از سوی آمریکا و در جهت بازبینی راه‌های رسیدن به منافع آن کشور در عرصه بین‌المللی صورت پذیرفت، یکی از کشورهای که آمریکایی‌ها همواره در راستای تغییر رویکرد آن در عرصه جهانی تلاش نموده‌اند، ایران است. چراکه، به‌گفته آمریکایی‌ها حداقل بعد از جنگ عراق دیگر نمی‌توان از طریق رویارویی سخت و مستقیم، باعث تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران شد.

از سوی دیگر، به‌زعم برخی از پژوهشگران، استفاده از منابع محوری قدرت نرم در جمهوری اسلامی باعث شده است تا پرچم استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی در این کشور، در اهتزاز باشد. این امر، نفوذ و تأثیرگذاری ایران را در منطقه و جهان افزایش داده، زمینه را برای مقابله با تهدیدات آمریکا فراهم نموده است.

بنابراین، مناسبات ایران و ایالات متحده - بعد از استقرار جمهوری اسلامی ایران - همواره با ستیز و چالش روبه‌رو بوده است. قطع روابط پیلما تیک و سیاسی میان دو کشور نیز بر دامنه و گستره این تعارض‌ها افزوده است. از نظر ایالات متحده، ایران همواره کشوری است که در تعارض با منافع آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا قرار دارد و تغییر در کادر رهبری ایالات متحده و روی کار آمدن حزب جمهوری خواه یا دموکرات تغییری در جهت‌گیری کلی و سیاست خارجی این کشور در قبال ایران ایجاد نکرده، بلکه تنها شیوه‌های مقابله را تغییر داده است. با توجه به امر، ایالات متحده برای مهار و تغییر رفتار ایران در مقطع زمانی مورد بحث در این مقاله، استفاده از قدرت نرم را در کانون توجه خویش قرار داده است. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران نیز با انجام اقداماتی همچون حمایت از جنبش‌های منطقه‌ای از جمله حزب الله لبنان، تولید فیلم‌هایی در راستای ترویج فرهنگ ایرانی اسلامی، استفاده از مهاجرین ایرانی در سایر کشورها و نظایر آن درصدد برآمده است تا با استفاده از قدرت نرم، متحدان

منطقه‌ای خویش را در غرب آسیا و شمال آفریقا افزایش داده و از این طریق، در مواقع بحرانی حمایت و همراهی کشورهای منطقه را کسب نموده، قدرت مانور خود را در مقابل ایالات متحده افزایش دهد.

در پایان راهکارهای ذیل برای به حداکثر رساندن بهره‌گیری از منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قبال آمریکا مطرح می‌شود:

- تلاش برای حداکثرسازی خودکفایی و حمایت از تولیدات داخلی - به ویژه برای بی‌اثرسازی تحریم‌ها که به بهانه‌های واہمی وضع شده‌اند؛
- تلاش برای عملی کردن فضای باز سیاسی و آزادی اندیشه به منظور اعتمادسازی داخلی و گرایش بیشتر جامعه به سمت رسانه‌های داخلی و فرهنگ ایرانی اسلامی؛
- استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی و توانمندی‌های سیاست خارجی؛
- عملی کردن شفافیت مالی و اقتصادی که به اعتمادسازی و در نتیجه ارتقای قدرت نرم خواهد انجامید؛
- استفاده از ظرفیت سازمان‌های مرتبط.

## منابع

۱. ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷). «مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۱۱(۴۰)، صص ۳۰-۸.
۲. بیلیس، جان و استیو اسمیت (۱۳۸۳). جهانی‌شدن سیاست، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۳. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: نشر مؤسسه بوستان کتاب.
۴. جعفری، علی‌اکبر (۱۳۸۹). منافع استراتژیک مشترک و اتحاد آمریکا و اسرائیل، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های پژوهش‌های مطالعات راهبردی.
۵. خانی، محمدحسن (۱۳۸۴). «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، فصلنامه دانش سیاسی، سال ۱، شماره ۲.
۶. خسروی، محمدعلی و علی جباری ثانی (۱۳۹۰). «ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی»، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۱۱(۳)، صص ۱۱۶-۸۳.
۷. داداندیش، پروین و افسانه احدی (۱۳۹۰). «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی»، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۳(۱)، ۱۷۳-۱۴۳.
۸. دوست‌محمدی، احمد و محمد رجبی (۱۳۹۷). «عربستان سعودی و تهدید امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره‌ی چهل‌وهشت، شماره ۴، صص ۹۴۵-۹۶۰.
۹. رجبی، محمد و احمدرضا عصار (۱۴۰۰). «منابع، اهداف و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال یازدهم، شماره ۲(پیاپی ۲۵)، صص ۱۲۳-۱۰۵.
۱۰. رجبی، محمد (۱۴۰۰). «بررسی مقایسه‌ای طرح‌های ایران و آمریکا در قبال مسئله‌ی فلسطین: مورد مطالعه طرح برگزاری همه‌پرسی ملی در سرزمین فلسطین و طرح معامله‌ی قرن»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره ۲، صص ۴۹-۲۵.
۱۱. رفیع، حسین؛ دانش، حسین و محمدجواد قربی (۱۳۹۳). «منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱۱(۳۸)، صص ۲۴-۹.

۱۲. سعیدی، روح‌الامین و حمیدرضا مقدم‌فر (۱۳۹۳). «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره ۴(۱۵)، صص ۱۲۶-۱۰۸.
۱۳. شکوهی، سعید (۱۴۰۰). «قدرت انگاره‌ای به‌مثابه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال یازدهم، شماره ۳(پیاپی ۲۶)، صص ۷۶-۵۳.
۱۴. عباس تبار مقری، رحمت و عباداله اختری (۱۴۰۰). «عقلانیت انقلابی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال یازدهم، شماره ۳(پیاپی ۲۶)، صص ۹۴-۷۷.
۱۵. عترت دوست، محمد (۱۴۰۰). «گونه‌شناسی و منبع‌یابی قدرت نرم مبتنی بر تحلیل محتوای آیات قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال یازدهم، شماره ۴(پیاپی ۲۷)، صص ۲۴۲-۲۱۹.
۱۶. قدسی، امیر (۱۳۹۰). «نقش رسانه ملی در ایجاد قدرت نرم و مقابله با جنگ نرم با تأکید بر بازتولید سرمایه اجتماعی»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره ۸، صص ۱۰۳-۷۶.
۱۷. قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۹). «تقدم الهان بخشی بر قدرت نرم در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ۸، شماره ۲۸.
۱۸. گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم، ج ۳. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر گسترش تولید علم.
۱۹. معنوی، احسان (۱۳۹۴). توسعه قدرت نرم ایران در گرو دیپلماسی پویای فرهنگی. سایت رصد.
۲۰. نای، جوزف (۱۳۸۹). قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل. ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۲۱. هرسیج، حسین و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۸). «مقایسه میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه»، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۵(۱)، صص ۲۰۳-۱۶۹.
۲۲. همایون، محمدهادی و خدایار ابراهیمی (۱۳۹۲). «سلطه فرهنگی آمریکا به‌مثابه غربی‌سازی جهان با تأکید بر رهیافت‌ها و ابزارهای ارتباطی»، فصلنامه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، شماره ۳(۷)، صص ۷۷-۵۲.

23. Levitt, Matthew. (2011). *Iranian state sponsorship of terror*. House of Representatives.
24. Nye, Joseph. (2002). The Information Revolution and American Soft Power. *Asia Pacific Review*, Vol. 9, Number 1.
25. Nye, Joseph. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. New York: Public Affairs Policy.
26. Ohnesorge, Hendrik. (2019). *Soft Power: The Forces of Attraction in International Relations*. U.S.A: Springer Nature.